یادداشت

نگاهی به فیلم سینمایی «بدون قرار قبلی»

سفر در دل تاریخ و جغرافیای ایران فیلمی از جنس خاک

عقیله شهرستانی

فیلم «بدون قرار قبلی»، فیلمی آرام و دلنشین است که تو را به دیدن دعوت می‌کند. فیلم قرار نیست هیجان خاصی را به بیننده منتقل کند یا احساسات او را برانگیزد، بلکه می‌خواهد در فضایی آرام و واقعی، به‌تدریج گره‌های ذهنی داستان را باز کند و قهرمان فیلم را در مسیر شدن قرار دهد.

یاسمن، پزشکی که در آلمان کار می‌کند و از ایران چیزی جز خاطره‌ای از کودکی در ذهن ندارد، در اثر وصیت پدرش راهی ایران می‌شود. فیلم بدون حاشیه در یک خط مستقیم پیش می‌رود و بین روایت‌های گوناگون، خود را سرگردان نمی‌کند. مانند سایر فیلم‌های شعیبی، کودکان جزء شخصیت‌های مهم فیلم هستند، گرچه در اصل قصه تاثیری ندارند.

این فیلم، همان‌طور که در نامه پدر به دختر نوشته شده، سفری از باد به خاک را روایت می‌کند. یاسمن که در آلمان ریشه و تعلقی ندارد، با سفری درونی به ریشه‌ها و خاک خود بازمی‌گردد و گذشته خود را بازمی‌یابد. یاسمن برخلاف خسرو که در این خاک زندگی می‌کند و گویا تعلقی به آن ندارد، ریشه‌ها و گذشته خود را مطابق با درون خود می‌یابد و با آن ارتباط برقرار می‌کند. جایی که دخترخاله به او می‌گوید «حال پسرت بهتر شده چون تو بهتر شده‌ای» نشان می‌دهد که حال یاسمن از بودن در این فضا خوب است و حال پسرش نیز بهتر شده. پسر یاسمن که قرار است میراث‌دار بعدی باشد نیز از حضور در ایران و درکنار گذشته‌اش هر روز بهتر می‌شود. تاکید فیلم بر خاک با تمرکز بر قبری که در حرم امام‌رضا(ع) وجود دارد، نشان از تاکید فیلم بر خاک، وطن و ریشه‌ها دارد و جست‌وجوی یاسمن درمورد گذشته و پدرش، نمادی از جست‌وجو درمورد خانه پدری، وطن و ریشه‌هاست.

فیلم «بدون قرار قبلی» با روایت داستان قهرمان اصلی فیلم، نگاهی هنرمندانه به تاریخ و جغرافیای ایران دارد. در درجه اول، شغل پدر یاسمن و شخصیت او یادآور تاریخ، فرهنگ و هنر ایران است؛ شخصیتی که درنهایت از پدر یاسمن درمی‌یابیم، شخصیتی همسان با بزرگان ادب و هنر ایران‌زمین است. اشعار شاعران بزرگ و قدیمی درکنار موسیقی سنتی در جای‌جای فیلم دیده می‌شود. درکنار آن تصویری غیرنوستالژی و واقعی از روستاهای ایران و بناهای تاریخی منحصربه‌فرد، جزء زیبایی‌های فیلم شعیبی است. درکنار تمام اینها، فیلم توانسته است مذهب (با نماد حرم امام‌رضا(ع)) را درکنار زندگی عادی مردم و تنیده در آن، که مهم‌ترین ویژگی جامعه ایران است، به‌خوبی نشان دهد. فیلم ورودی مستقیم به مسائل مذهبی ندارد، بلکه از دیدگاهی جدید، دین، مذهب و تشیع را مطرح می‌کند و با دوری از نگاه روشنفکری و ابزاری به دین، آن را درکنار زندگی مردم ایران نشان می‌دهد. (مانند عرض ارادت‌های افراد به حرم امام‌رضا(ع) یا نمازخواندن دخترخاله در حرم).

از نقاط‌قوت فرعی فیلم، حضور کودکی با بیماری اوتیسم است. گرچه آنچه از این کودک در فیلم نشان داده می‌شود، نوعی بسیار خفیف و قابل کنترل اوتیسم است، ولی حضور کودکی متفاوت و نشان دادن این بیماری و مشکلات آن به جامعه، خود نقطه‌قوتی برای فیلم محسوب می‌شود. حضور همین کودک اوتیسم باعث شده که همسر یاسمن او را ترک کند، ولی ظاهرا در زندگی کنونی او مشکل اساسی‌ای بابت وجود یک کودک اوتیسمی در زندگی‌اش وجود ندارد.

از نقاط‌قوت دیگر فیلم، نشان دادن یک جامعه معمولی از ایران است. درکنار تمام آدم‌های خوب فیلم، مادر یاسمن و برادر او، شخصیت‌های چندان مثبتی ندارند. آدم‌های فیلم، آدم‌هایی معمولی هستند که زندگی روزمره دارند و در هیچ جهتی ویژه و پررنگ نیستند. (جز پدر یاسمن که او را هم مستقیم در فیلم نمی‌بینیم و فقط خاطراتی از او وجود دارد. ضمن اینکه او نیز در زندگی خانوادگی شکست خورده و سال‌ها در غم از دست دادن دخترش اندوهگین بوده است).

با این حال، فیلم نقطه‌ضعف‌هایی نیز دارد. شاید مهم‌ترین آن، این است که بیننده در روایت کوتاه چنددقیقه‌ای فیلم، نمی‌تواند تحولات ذهنی و درونی یاسمن را به‌خوبی حس کند. انگار که قهرمان فیلم در یکنواختی باورناپذیری پیش می‌رود و ناگهان در چنددقیقه آخر فیلم، با حل‌شدن مساله، چرخشی به‌سمت گذشته‌اش می‌کند. درصورتی که کارگردان قصد گره‌گشایی ناگهانی نداشته است و می‌خواسته که کشف و شهود یاسمن به‌تدریج و درطول زمان رخ دهد. مساله دیگر فیلم، ناواضح بودن کشفیات یاسمن است که ممکن است بیننده را با شک‌هایی روبه‌رو کند. یافته‌های یاسمن از پدرش به‌خوبی بیان نمی‌شود و بعضی از آنها به‌حدس بیننده واگذار می‌شود. فیلم می‌توانست روایت قوی‌تری از تحولات درونی یاسمن داشته باشد و دریافت‌های او را به‌صورت واضح‌تری نشان دهد. ضمن اینکه چند سوال نیز درنهایت پاسخ داده نمی‌شود که مهم‌ترین آن این است که چطور پدر یاسمن تا آخر عمر خود را در چت‌ها به او معرفی نمی‌کند یا بعد از گذر از کودکی تلاشی برای ارتباط با او ندارد و همچنان به حرف مادر یاسمن برای عدم ارتباط با او پایبند باقی می‌ماند؟!

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با سیامک مختاری، کارگردان مستند «بابا آمد»

از روستای آبدانان تا ترور هسته‌ای

اندوه ناتمام خانواده رضایی‌نژاد

کیانا تصدیق‌مقدم

خبرنگار

ترور شخصیت‌های هسته‌ای ایران به‌سلسله ترورهای هدفمند علیه دانشمندان هسته‌ای کشور طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ گفته می‌شود که با هدف جلوگیری از پیشرفت‌های علمی و فناوری در این حوزه برنامه‌ریزی شد و به اجرا درآمد. پس از این ترورها، نه‌تنها این فرضیه کمرنگ نشد که برخی کشورهای غربی در این اقدامات ضدبشری دارای نقش اصلی هستند، بلکه این گمان که سازمان‌های جاسوسی کشورهای غربی در طراحی این عملیات‌ها نقش داشتند تقویت شد و این امر مهم در سخنرانی‌های مقامات آن کشورها و گزارش‌های منتشره به‌وضوح مشخص است. ولی آیا دشمن با ترور شخصیت‌های علمی کشور به اهداف خود دست می‌یابد؟ در صنعت هسته‌ای کشور بارها تجربه شده است که پس از ترور دانشمندان هسته‌ای نه‌تنها رشد و پیشرفت کشور متوقف نشده، بلکه به برکت خون شهیدان شتاب بیشتری هم گرفته است و تمامی کشورها شاهد این امر هستند. یکی از کسانی که در این مسیر به شهادت رسید، داریوش رضایی‌نژاد بود.

داریوش رضایی‌نژاد در ۲۹ بهمن ۱۳۵۵ در شهرستان آبدانان استان ایلام به دنیا آمد و در تیرماه ۱۳۷۳ دیپلم خود را در رشته ریاضی دریافت کرد. وی چندین بار در مسابقات علمی استان ایلام مقام اول را کسب کرد و در مهرماه ۱۳۷۳ برای تحصیل در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی برق، گرایش قدرت، در دانشگاه صنعتی مالک اشتر اصفهان پذیرفته شد.

رضایی‌نژاد به محض فارغ‌التحصیلی به‌عنوان پژوهشگر در مراکز مهم تحقیقاتی و علمی کشور مشغول به کار شد. در همان نخستین سال شروع به کار، در آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۸ در رشته مهندسی برق، گرایش قدرت مشغول به ادامه تحصیل در دانشگاه ارومیه شد. رضایی‌نژاد ضمن تدریس و انجام فعالیت‌های تحقیقاتی مسئول اجرای بسیاری از طرح‌های تحقیقاتی در دانشگاه‌های صنعتی مالک اشتر، تهران، شهید بهشتی و خواجه‌نصیرالدین طوسی بود. او با قبولی در تمام مراحل آزمون دکتری سال ۱۳۹۰ در دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی پذیرفته شد و در تاریخ یکم مرداد ۱۳۹۰ ترور شد. از وی یک دختر به نام آرمیتا به یادگار مانده است. رضایی‌نژاد به‌همراه همسر و دخترش، مقابل منزلش و در خودروی خود در حالی که وارد منزل می‌شدند، مورد هدف قرار گرفت. پنج گلوله به‌سمت او شلیک شد که یکی از آنها به گردن و گلوله دیگر به دست وی اصابت کرده است. مستندهایی با این موضوع در همان سال‌ها تولید شدند که یکی از آنها «بابا آمد» به کارگردانی سیامک مختاری بود.

مستند «بابا آمد» به داستان زندگی شهید داریوش رضایی‌نژاد بازمی‌گردد. وی در صنعت هسته‌ای فعالیت‌هایی انجام داده بود و خانواده‌اش از نزدیک درگیر این جریان یعنی ترور این شهید می‌شوند. درواقع یک دختر خردسال شاهد ترور پدرش از یک فاصله بسیار نزدیک بوده است. در ابتدای این مستند یک فیلم بازسازی‌شده از صحنه ترور که داخل ماشین اتفاق افتاده وجود دارد تا برای مخاطب ذهنیت و کنجکاوی ایجاد شود و مستند را دنبال کند. این مستند به کارگردانی سیامک مختاری و تهیه‌کنندگی سیدجمال عود سیمین در سال ۱۳۹۱ در ژانر سیاسی- تاریخی تولید شد. به بهانه نمایش فیلم هناس، اولین فیلم داستانی سینمای ایران با موضوع ترور شهید رضایی‌نژاد، با کارگردان مستند بابا آمد که سال‌ها پیش با اثرش توجهات بسیاری را به موضوع این جنایت و البته شخصیت خود این دانشمند شهید جلب کرده بود، گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

///

داستان ترور از زبان آرمیتا

«ایده اولیه برای رفتن به‌سراغ چنین سوژه‌ای از خودم بود.» این را سیامک مختاری در رابطه با دغدغه‌ای که برای تولید این مستند داشت می‌گوید. او عنوان می‌کند: «سالی که احمدی‌روشن ترور شد، تصویربردار بودم و در یک همایشی همسر شهید رضایی‌نژاد و آرمیتا آمده بودند و ما هیچ شناختی از آنها نداشتیم. هنگامی که داریوش رضایی‌نژاد را ترور کردند، به هر دلیلی خیلی شخصیتش پررنگ نشده بود. ما اصلا آنها را نمی‌شناختیم و گفتیم یک گفت‌وگویی با آنها داشته باشیم و وقتی برای مصاحبه رفتیم، درباره شهید و پیرامون فعالیت‌هایی که کرده بود صحبت کردیم و وقتی به بحث ترور رسیدیم همسر وی گفت بگذارید آرمیتا تعریف کند و در همان لحظه بهت‌زده شدم که آرمیتا دختری که ۵ سال بیشتر نداشت، چگونه می‌خواهد موضوع را تعریف کند. وقتی آرمیتا شروع به صحبت کرد، بچه‌های تیم گریه می‌کردند. ما قضیه این شهید را فهمیدیم و این سوژه در ذهن من ماند و فکر کردم پتانسیل قوی‌ای دارد و بعد آن را به طرح تبدیل کردیم که از ترورهای تاریخ انقلاب ما الان به ترور شهدای هسته‌ای رسیدیم.»

من اولین نفر بودم

مختاری درباره اینکه مستندش از اولین آثار تولیدشده با موضوع زندگی این شهید است، گفت: «من اولین کسی بودم که شروع به تولید مستندی با موضوع زندگی شهید رضایی‌نژاد کردم. اما تدوینش ۶ ماه طول کشید و در این زمان دو یا سه مستند دیگر هم تولید شد. ما به جریان‌های بزرگ‌تری فکر می‌کردیم و اجرایی نشد و به ایده اولیه بازگشتیم که بگوییم جوانی از یک روستا به یک جایگاه علمی‌ای می‌رسد که مورد توجه دشمن قرار می‌گیرد و درنهایت ترورش می‌کنند.»

وی در ادامه راجع به بازخوردهایی که این مستند دریافت کرد، گفت: «واکنش‌ها خوب بود و کسانی که این مستند را دیدند تعریف کردند. این مستند در جشنواره عمار اکران شد.»

در حق شهید رضایی‌نژاد کوتاهی شده بود

این کارگردان در رابطه با مواجهه با خانواده این شهید گفت: «قرار گرفتن کنار یک دختربچه ۵ ساله و کار کردن با آن و ارتباط گرفتن برایمان سخت نبود. اما موج حزن و اندوهی که در خانه و بین همسر شهید و فرزندشان بود بسیار اذیت‌کننده بود. غم و غصه‌ای که داشتند زیاد بود و به هر دلیلی تا قبل از ما کار هنری شایسته‌ای انجام نشده بود. این نحوه ترور جلوی چشم‌شان و برای آرمیتایی که مدام به مشاوره می‌رفت، از لحاظ روحی ما را خیلی اذیت می‌کرد.»

توانمندی و ایستادگی

مختاری در پاسخ به اینکه کدام ویژگی این شهید برایش ارزشمند بود، گفت: «بعد از سیر تحقیقات می‌بینید که ما کلا دو مصاحبه داشتیم؛ صحبت با آرمیتا و مادرش. ما به ایده اولیه بازگشتیم و آن این بود که یک جوانی که در روستایی به نام آبدانان زندگی می‌کرد و در یک جای دورافتاده همت و تلاش داشت، در جایگاهی قرار گرفت که دشمن به این فکر می‌کرد که باید آن را نابود کند تا دیگر نتواند فعالیت کند. توانمندی این آدم و ایستادگی‌ای که داشت ستودنی بود.»

حذف ماجرای تلخ ترور

این مستندساز در پاسخ به اینکه گاهی اوقات مستندهایی که با چنین موضوعاتی تولید می‌شود به‌دلیل اینکه جنبه احساسی خوبی داشته باشند، از نمایش واقعیت‌ها کم می‌گذارند یا در آن اغراق می‌کنند، گفت: «در این مستند فقط یک صحنه بازسازی وجود داشت. ما از خانواده شهید رضایی‌نژاد خواستیم تا واقعیت را بگویند. وقتی مستند را به مجید انتظامی نشان دادیم، گفت موقع تماشای آن بسیار غمگین شدم. بعد از چند بازخوردی که داشتیم، بعضی از سکانس‌ها را حذف کردیم و اتفاقا کلیت داستان از چیزی که دیده شد بسیار تلخ‌تر بود. به‌دلیل اینکه مخاطب حس بدی پیدا نکند و ماجرا کالبدشکافی نشود، شرح‌هایی را که همسر شهید از لحظه ترور می‌دادند، حذف کردیم.»

نشان دادن تصویر گنگ از ترور

مختاری درباره فیلمی که در ابتدای مستند پخش می‌شود، گفت: «این قسمت بازسازی‌شده مستند ما بود و خودمان آن را گرفتیم. هدف‌مان این بود که با دیدن یک تصویر گنگ از این اتفاق، مخاطب با این سوال مواجه شود که چه اتفاقی افتاده است و با داشتن یک ذهنیت از ترور این شهید در کنار خانوادش ادامه کار را ببیند و راجع به آن کنجکاو شود.»

شناخت شهدا با مستند

کارگردان مستند بابا آمد در پایان درباره لزوم تولید مستندهایی با این موضوع گفت: «الان با سال ۹۱ و ۹۲ متفاوت است. اما در آن زمان ضرورت تولید این بود. ما در یک بازه زمانی، در جهت انرژی هسته‌ای تلاش درستی کردیم و باید به یک اتکا به خود برسیم، زیرا کشورهای دیگر حاضر نیستند به ما در این زمینه کمک کنند. ما پیشرفت‌هایی کردیم و بزرگانی را از دست دادیم در این مسیر و مردم باید آنها را بشناسند تا ببینند چه کسانی را از دست دادیم تا به این جایگاهی که الان داریم رسیدیم.»

یادداشت

«بی‌مادر»، عجول و شلخته

مریم رحمانی

فیلم سینمایی «بی‌مادر» به کارگردانی سیدمرتضی فاطمی در پنجمین روز از جشنواره فیلم فجر برای اصحاب رسانه به‌نمایش درآمد. فیلمی با موضوع اجتماعی که سعی دارد با چاشنی مادرانگی و تراپی‌های شخصیت‌روانشناس قصه که امیر آقایی آن را بازی کرده منطقی و آرام به‌نظر برسد و در لحظه با ایجاد چالش‌ها مخاطب را به فراز و فرود داستان ببرد اما این روند در فیلم دیده نمی‌شود و موفق نبوده و شخصیت‌ها در سطح باقی مانده‌اند. با روایت قصه‌های زنانه فیلم به‌عهده میترا حجار و پردیس پورعابدینی است. حجار در این فیلم، نقش دکتر زنانی که در اوج رفاه حسرت مادر شدن دارد و پردیس پورعابدینی در نقش مهروز نقطه مقابل او که در اوج فقر برای خرج عمل فرزندش باید تصمیم مهمی بگیرد را بازی می‌کند، اما نه آن حجم از رفاه و زندگی لوکس کمکی جز به تصویر کشیدن صحنه‌های شیک فیلم کرده و نه فقر و درماندگی مهروز درست نمایش داده شده است و به‌طور کلی فیلمنامه و شخصیت‌پردازی در آن عجول به‌نظر می‌رسد و گره‌های داستان در سطحی‌ترین شکل ممکن ایجاد و بدون منطق باز می‌شود.

بی‌مادر نه‌تنها نتوانسته با توجه به موضوع فیلم یک داستان مادرانه آرام و عاطفی را به تصویر بکشد بلکه در نقطه مقابل و بدون کارکرد منطقی، صحنه‌های خفگی دختربچه‌ای در آب یا مردن فرزند را نشان می‌دهد و این مقدار سیاه‌نمایی کارکردی در فیلم ندارد و نقطه طلایی یا ایجاد اتفاقی خاص نیست و تنها بار مصیبت‌زدگی و تلخی آزاردهنده‌ای را به بیننده منتقل می‌کند و به‌طور کلی توازن تلخی و شیرینی یا بهتر است بگوییم مادرانگی را در اثر از بین می‌برد. این بی‌برنامگی در طراحی صحنه هم به همین ترتیب است رقص نور بین شیشه‌ها در سکانس‌های ابتدایی این تصور را به مخاطب می‌دهد که تا پایان فیلم می‌خواهد مقابل بوم نقاشی بایستد و تصاویر زیبا ببیند اما این‌طور نیست و جز چند صحنه بقیه اثر فضایی معمولی دارد. فاطمی در اولین اثر خود گویی خواسته با کپی‌برداری از نمونه‌های موفقی که نزدیک به این موضوع ساخته شده‌اند، دیده شدن فیلمش را بیمه کند اما این کپی کردن در بعضی صحنه‌ها زیادی پررنگ شده است و به این ترتیب بعضی تصاویر «میم مثل مادر» را به یاد مخاطب می‌آورد و حتی این کپی‌برداری در پوستر فیلم هم دیده می‌شود.

ترکیب بازیگران در بی‌مادر درست چیده نشده و نه امیرآقایی چیز جدیدی برای بازی کردن چندین باره در نقش یک دکتر را دارد و نه پژمان جمشیدی توانسته جز عصبانیت و داد و بیداد کاری برای درآمدن نقشش بکند.

شاید اگر بی‌مادر جزئی‌تر و منظم‌تر به یک بخش و یک داستان می‌پرداخت خروجی بهتری می‌گرفت اما آنچه اهالی رسانه دیدند مجموعه داستان‌های کوتاهی بود که نه چالش جدی داشت و نه مجهولی را منطقی معلوم می‌کرد. پرداختن به موضوعی که مدنظر کارگردان فیلم است نیاز به ظرافت و منطق بیشتری دارد که خلأ آن در بی‌مادر دیده می‌شود و این شلختگی در طول فیلم مخاطب را خسته می‌کند.

آقای علیرضا افتخار عمرانی فرزند حسن به شماره ملی ۰۰۵۵۳۴۲۸۳۳ نظر به اینکه پرونده شما به علت تخلفات بند ۲۹ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در دست بررسی است و تاکنون جهت روشن شدن وضعیت خدمتی خود مراجعه ننموده‌اید، لذا بدینوسیله به شما اطلاع داده می‌شود حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی نسبت به ارسال دفاعیه خود به هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان تعزیرات حکومتی واقع در تهران خیابان ولیعصر بالاتر از میدان ولیعصر نبش کوچه شهید عتیقی‌نژاد پلاک ۱۸۱۶ اداره کل منابع انسانی سازمان اقدام نمایید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر برابر ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری عمل خواهد شد.

م الف ۳۷۹۹ شناسه آگهی ۱۲۷۳۱۹۱

«آگهی مزایده عمومی»

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در نظر دارد ملزومات مستعمل اداری از قبیل میز و صندلی، کیس، کیبورد، مانیتور و انواع ضایعات فلزی و غیرفلزی (مس، آهن، آلومینیوم، کاغذ و پلاستیک) خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. ۱- از اشخاص حقوقی و یا حقیقی دعوت به عمل می‌آید از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت خرید اسناد مزایده با ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به شماره حساب ۰۱۱۵۸۶۰۸۲۳۰۰۸ و شماره شبا IR۲۴۰۱۹۰۰۰۰۰۰۰۰۱۱۵۸۶۰۸۲۳۰۰۸ به‌نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات نزد بانک صادرات شعبه پونک با شناسه واریز ۴۱۹۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۵۳ به همراه معرفی‌نامه کتبی و کارت شناسایی در ساعات اداری ۷:۳۰ لغایت ۱۴:۵۰ به نشانی: تهران- انتهای بزرگراه شهید ستاری شمال- به سمت حصارک- واحد علوم و تحقیقات- ساختمان بلوک یک آموزشی- طبقه ششم- اتاق ۶۰۱ (تلفن تماس: ۴۴۸۶۵۱۳۱) مراجعه نمایند.

۲- شرکت کنندگان ملزم به ارائه سپرده شرکت در مزایده به صورت فیش واریزی و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد میلیون ریال) به شماره حساب ۰۱۰۶۹۸۹۲۵۷۰۰۲ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی با شناسه ۰۰۹۲۱۲۲۹۹۰۱۰۰۲۵۷۷ می‌باشند. ۳- زمان تحویل پاکت‌ها تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ و محل تحویل پاکات ساختمان علوم انسانی، طبقه چهارم شمالی دبیرخانه اداره کل حراست خواهد بود. ۴- هزینه درج آگهی در جراید به عهده برنده مزایده می‌باشد. ۵- مزایده‌گذار در رد یا قبول پیشنهادات دارای اختیار تام می‌باشد.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
اداره کل تامین و توزیع کالا و تجهیزات

نوبت اول

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری در نظر دارد واگذاری انتشارات و بوفه‌های دانشجویی، رستوران آزاد و کافی‌شاپ خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقوقی و حقیقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان جهت بازدید، کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مزایده مربوطه می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز کاری در ساعات اداری پس از واریز مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به حساب ۰۱۱۵۸۶۰۷۱۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه بابک شهرری به‌نام دانشگاه آزاد واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری به آدرس تهران، بزرگراه خلیج‌فارس، روبه‌روی حرم مطهر امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دبیرخانه واقع در طبقه همکف ساختمان اداری مراجعه نمایند. مهلت تحویل و ارائه اسناد: از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز کاری به دبیرخانه حراست دانشگاه واقع در تهران، بزرگراه خلیج‌فارس، روبه‌روی حرم مطهر امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، ساختمان اداری، طبقه سوم. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد. دانشگاه در رد و قبول پیشنهادات اختیار کامل دارد. مشروح شرایط مزایده در اسناد درج گردیده است. به پیشنهادات مبهم، مشروط و فاقد موارد خواسته شده هیچ گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد. امکان خرید اسناد از دانشگاه و تحویل پاکات توسط متقاضیان، خارج از موعد مقرر به هیچ عنوان پذیرفته نخواهد شد. شرکت کنندگان می‌بایست تصویر فیش خرید اسناد مزایده را ضمیمه اسناد در پاکات مربوطه ارائه نمایند.

در صورت هرگونه سوال و کسب اطلاعات با شماره‌های ۵۵۲۲۹۳۶۱ و ۵۵۲۲۹۳۰۶-۰۲۱ تماس گرفته شود.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره)